

به من بگو هیچ کس

ستاره جعفری



انتشارات شادان

تابستان ۱۳۹۹

نشر شادان



گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی:

تهران، کوی نصر (گیشا)، خیابان جوادفاضل جنوبی.

شماره ۱۰۲. تلفن: ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

در اینستاگرام نیز همراهان باشید



بهمن یک هیچکس

نویسنده: ستاره جعفری

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۸

ویراستار: میژگان معصومی

شابک: ۹۴-۷-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۸۰

کتابخانه ملی: ۶۰۱۲۶۰۴

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۶۸۰۰۰۰ ریال

جعفری. ستاره

به من بگو: هیچکس ۱ - نویسنده: ستاره جعفری /

تهران: شادان / ۱۳۹۸ / ۵۰۱ صفحه /

(رمان ۱۲۶۳)

شابک: ۹۴-۷-۷۳۶۸-۶۰۰-۹۷۸

ISBN: 978-600-7368-94-7

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

PIR ۸۳۳۹

۱۳۹۸

کتابخانه ملی ایران

۸۳۳/۶۲

۶۰۱۲۶۰۴

یادآوری: حقمن این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار دادن در سایت های مختلف - به هر شکل - غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

شاید همان هیچ کس!...

معمولاً پدران و مادران در مواجهه با اتفاقات زندگی فرزندان بی تجربه‌اند و گاهی اولین بار است که با موضوعی برخورد می‌کنند. گاهی فراموش می‌کنیم که پروراندن و ساختن فرزند، با عقاید و باورهایش، چه کار طاقت فرسایی است و به راستی برای آنان که می‌خواهند نتیجه زندگی‌شان، تحویل یک انسان درست به جامعه باشد بسیار دشوار!

این جملات را به عنوان راهکار یا دستورالعمل‌های زندگی - که این روزها پُر است از فضای مجازی! - بلکه به عنوان یک دغدغه‌نویسی برای همه ما بیان می‌کنم، آن هم به نقل قول از نویسندگانی اهل تفکر:

نیازی نیست به فرزند خود که به دیگران را بیاموزید بلکه سخاوت و بخشش را جزئی از وجود انسان‌ها نشان دهید. همان گونه به او بیاموز که کار نیست من وسیله‌ای برای راحتی تو باشم و سختی من و ناملایمات، همواره جزئی از زندگی توست که باید آن را بپذیری؛ حتی او را با ترسیم خداوند و ترس از جهنم آشنا نکن! بلکه کمک کن خدایش را درک کند و بدون ترس از او، خوبی را لازمهٔ انسانیت بشمارد.

به هر حال در میان هزاران تجربه و دستورالعمل، که برای هر کس و در هر موقعیتی متفاوت است اما توجه به یک نکته در آیندهٔ فرزند تأثیری شگرف دارد: دادن حس اعتماد و تکیه به آنچه هست! درک این موضوع که شخصیت وجودی‌اش قابل پیشرفت و ترقی است ولی در



هر لحظه، هر آن چه هست برای من پدر یا مادر دارای ارزش و احترام است: ما تو را دوست داریم همان‌گونه که هستی!

شاید بسیاری از ما دیده‌ایم که بزرگترهای امروز، سالهاست در حال بازی کردنِ نقشی هستند که از کودکی به آنان تحمیل شده است. نقشی از خواسته یا تحمیل پدر و مادر که موجب شده تا آنچه را که بوده، سالها پنهان کنند. انکار وجود خویش و بازی کردنِ نقشی دیگر که همان تظاهر است به آنچه نیست، نتیجهٔ خواست پدر و مادری است که از سرِ خیرخواهی، فرزند را وادار کرده به غرق شدن در نمایشی که از خود بروز می‌دهد. گاهی حتی تفاوت قائل شدن میان جنسیت فرزندان نتیجه‌ای جز همان تظاهر کردن یکی به نقش دیگری نخواهد داشت.

اینجاست که می‌گیریم باختن یک انسان با تمام حرمت‌های انسانی، کاری است سخت و طاقت‌فرسا، حتی در حد و اندازهٔ هنر یک پیکرتراش که در کنار ساختِ پیکری متناسب، روح و جان او را نیز با تفکر و رفتارش خواهد ساخت.

از کنار این حرفها بگذریم و به قصهٔ امروزمان بپردازیم. قصه‌ای از تاثیرات رفتاری و ساختن انسان‌ها که توسط والدین و با مسئولیت بزرگ آنها رخ می‌دهد. داستان نویسی ما با پایه‌ای از همین صحنه‌ها، قصه‌ای پُر فراز و نشیب ساخته است که می‌تواند برای بسیاری از ما همانند آینه عمل کند: حواس‌تان باشد، هر حرکتِ امروز می‌تواند تا سال‌های سال بر جسم و روح فرزند شما اثر بگذارد و حتی مسیر زندگی او را دستخوش تغییراتی عمیق و بزرگ نماید... تا شاید روزی کسی شود برای خودش یا بشود ناخواسته هیچ‌کس.

توصیه می‌کنم به رمان‌خوان‌های حرفه‌ای که حتماً این داستان را بخوانند و روی آن تأمل کنند... می‌دانم علاوه بر جذابیت، روایتی اثرگذار نیز خواهد بود...
تردید نکنید!

بهمن رحیمی

تیرماه ۱۳۹۹ - تهران

